

نظام برنامه‌ریزی فرهنگی شده در انقلاب اسلامی با رویکرد آینده‌پژوهی

محمد رحیم عیوضی^۱
عین‌الله کشاورز ترک^۲

چکیده

عامل پویای برنامه‌ریزی در نظام اجتماعی فرهنگ و عامل پایایی فرهنگ، اخلاق می‌باشد. در راستای تبیین جایگاه جدید برنامه‌ریزی فرهنگی در آینده انقلاب اسلامی لازم است فرهنگ در متن نظام برنامه‌ریزی قرار گیرد، به عبارتی برنامه‌ریزی و چشم‌اندازها دارای ماهیت و هویت فرهنگی گردد. آینده‌پژوهی دانشی ارزش‌بنیان می‌باشد، لذا ارتباطی دوسویه با انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگ دارد. از این حیث ریشه‌یابی نسبت بین برنامه‌ریزی فرهنگی شده و آینده‌پژوهی (آینده‌سازی) ضرورت می‌یابد. هدف از تشریح این نسبت نیز چشم‌انداز آینده‌ی است که به دنبال مختصات و نمادهای اسلامی - ایرانی است. در جهت تبیین مسأله در این پژوهش تلاش خواهد شد جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی شده بر مبنای روش‌های آینده‌پژوهی تبیین گردد. با توجه به هدف مقاله سؤال اساسی این است که برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام برنامه‌ریزی شهری، منطقه‌ای و ملی بر پایه اهداف و ماهیت انقلاب اسلامی چه جایگاه و ویژگی‌هایی دارد؟ الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی در راستای تحقق توسعه پایدار عمل می‌نماید. با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته، این الگو به دنبال استفاده از توانمندی‌های دو رویکرد تفکر راهبردی و برنامه‌ریزی آمایشی بر پایه مؤلفه فرهنگ است. پدیده انقلاب اسلامی نیز از ماهیت فرهنگی برخوردار می‌باشد، لذا این الگوی بر مبنای پیوند سطح تحلیل شهر به سطح تحلیل منطقه‌ای و ملی به دنبال تحقق فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی و توسعه پایدار می‌باشد.

کلید واژه‌ها: آینده‌پژوهی، رصد فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی شده، انقلاب اسلامی

Email: ra.eivazi@yahoo.com

۱- دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول)

Email: a.keshavarz@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۲۹

۱. مقدمه

از آنجا که آینده‌پژوهی^۱، دانشی ارزش‌بنیان می‌باشد، لذا ارتباطی دوسویه با انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگ دارد. آینده‌پژوهی نیازمند، توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های اعتقادی می‌باشد. از این حیث ریشه‌یابی نسبت بین فرهنگ و آینده‌پژوهی در آینده انقلاب اسلامی ضروری است. هدف از تشریح این نسبت نیز چشم‌انداز آینده‌ی است که مؤید نظام برنامه‌ریزی در سطوح شهری، منطقه‌ای و ملی با مشخصات و نمادهای اسلامی - ایرانی است.

برنامه‌ریزی شهری در شرایط کنونی‌اش، از یک مبنای تحلیل شناخت‌شناسی و معرفتی محدود پیروی می‌کند که به دلیل گستردگی موضوعات آن در بخش‌های مختلف، عرصه‌ی اقتصادی - کالبدی مورد تأکید قرار گرفته است. ضعف نظام برنامه‌ریزی شهری یکی از مباحث چالش‌انگیز در حوزه‌ی آینده مدیریت شهری می‌باشد در این میان اجماع در عدم کارکرد مناسب این نظام در میان صاحب‌نظران بر مبنای وضع موجود حاصل گردیده، اما در خصوص راهکار پیشنهادی اختلاف نظرانی وجود دارد. عدم وجود دو نگاه آینده‌پژوهانه و رویکرد فرهنگی در نظام توسعه شهری از عوامل عمده‌ی ضعف در نظر گرفته شده است. در راستای تبیین جایگاه جدید برنامه‌ریزی فرهنگی در انقلاب اسلامی لازم است فرهنگ و ارزش‌های آن در متن نظام برنامه‌ریزی قرار گیرد به عبارتی برنامه‌ریزی شهری، منطقه‌ای و ملی در نظام برنامه‌ریزی کشور دارای ماهیت و هویت فرهنگی گردد.

بر پایه رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده، فرهنگ به عنوان مؤلفه کلید توسعه اقتصادی و سیاسی مدنظر قرار می‌گیرد، در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی در سطح تحلیل شهر، هر گونه برنامه‌ریزی شهری منطقی و واقعی می‌باید حساسیت‌های لازم را نسبت به هویت فرهنگی شهروندان در زندگی شهری مدرن در خود داشته باشد پیوند سطح تحلیل شهری و منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی آمایشی دنبال می‌شود. لذا تحقیق حاضر به دنبال حل این مسأله است که با توجه به بررسی برنامه‌ریزی فرهنگی شده، ابعاد تأثیر آن را بر نظام برنامه‌ریزی انقلاب اسلامی را تحلیل نماید، در این میان نکته‌ی کلیدی این است که چگونه فرهنگ در متن برنامه‌ریزی و یا برعکس چگونه برنامه‌ریزی در حوزه‌ی فرهنگ ورود پیدا می‌کند. در این راستا نیازمند بررسی نظریه‌های برنامه‌ریزی، نظریه‌های فرهنگ و کاربرد آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی فرهنگی شده می‌باشیم. حال در ارتباط با مسأله فوق سؤال این است که برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام برنامه‌ریزی شهری - منطقه‌ای و ملی بر پایه اهداف و ماهیت انقلاب اسلامی چه جایگاه و ویژگی‌هایی دارد؟ در راستای تبیین سؤال و تشریح مسأله فوق، نیازمند رویکرد آینده‌پژوهی می‌باشیم. زیرا روش‌های آینده‌پژوهی می‌تواند امکان تبیین نظام برنامه‌ریزی فرهنگی شده را در راستای تحقق توسعه پایدار فراهم کند.

ارتباط موضوع پژوهش با سند چشم‌انداز ملی و تأکید بر ماهیت فرهنگی پدیده‌ی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد پیش‌بینی آینده‌ای مطلوب برای انقلاب اسلامی، بدون طراحی و برنامه‌ریزی مدون و معطوف به چشم‌انداز بر پایه مبانی برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی قابل تصور نیست. از این حیث عمده‌ترین بستر مؤثر بر تحقق سند چشم‌انداز، ابعاد فرهنگی می‌باشد.

توجه به ماهیت فرهنگی، انقلاب اسلامی اهمیت رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده را دو چندان می‌نماید، ادبیات گسترده‌ای در زمینه علوم اجتماعی به "چرخش فرهنگی"^۱ مربوط می‌شود که از دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد، از آن به‌عنوان تجربه توصیفی یاد شده است. نظرات نویسندگان علوم جامعه‌شناسی، اقتصاد، جغرافیا، مطالعات فرهنگی و نظریه فرهنگی (یونگ، ۲۰۰۸؛ فاضلی، ۱۳۹۱؛ جیمسون^۲، ۱۹۸۴؛ اسمارت^۳، ۱۹۹۳؛ کاستلز^۴، ۱۹۹۸) بر موجودیت و رویه کاری چنین عصری دلالت دارند. با توجه به این موضوع، هدف بیان ویژگی‌های این عصر و نشان دادن میزان ارتباط آنها با برنامه‌ریزی و طرح فرهنگ‌سازی^۵ آن است (یونگ، ۲۰۰۸: ۱۳). کنش‌های اجتماعی، بخشی از آن از لحاظ فرهنگی در حوزه‌ی مکان قابل تبیین است. برنامه‌ریزی فرهنگی شده، به معنای برنامه‌ریزی که هویت و ماهیت فرهنگی دارد با بعد گذشته (باورها و اعتقادات)، بعد حال (رفتارها و کنش‌ها) و آینده (ارزش‌ها) در ارتباط می‌باشد. این ابعاد گذشته، حال و آینده باید وارد متن برنامه‌ریزی گردد. با توجه به اینکه رفتارها و کنش‌ها در سطح تمرکز قلمرویی و فضایی (شهری - منطقه‌ای) شکل می‌گیرد، نیازمند تدوین سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام برنامه‌ریزی آینده انقلاب اسلامی می‌باشیم. در نظام برنامه‌ریزی کنونی، رفتارها و کنش‌ها در زمان کوتاه مدت بیشتر عملیاتی می‌گردد و توسعه پایدار نیازمند توجه بیشتر به لایه‌ی اعتقادات و باورها و ارزش‌ها (ابعاد گذشته و آینده) نیز می‌باشد. در جمع‌بندی، ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی در حوزه‌ی آینده‌پژوهی به عنوان یک فرصت باید تلقی گردد و در راستای بهره‌برداری از این مزیت، نیازمند برنامه‌ریزی فرهنگی شده در سطوح تحلیل شهری - منطقه‌ای و ملی می‌باشیم. به عبارتی برنامه‌ریزی در نظام انقلاب اسلامی در مبانی روش شناختی و ساختارهای اجرایی دارای هویت و ماهیت فرهنگی گردد.

با توجه به موضوع پژوهش که در پی چگونگی تحقق برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی است، مشخص می‌شود که این پژوهش از نوع کیفی و تبیینی است. بنابراین روش انجام کار را باید با توجه به نوع پژوهش انتخاب کرد. در بخش مرور ادبیات در حوزه‌ی بررسی مبانی، برای گردآوری اطلاعات که به صورت پیمایشی انجام می‌شود و برای این منظور از روش مطالعات کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. پس از گردآوری اطلاعات، با استفاده از پانل خبرگان و تحلیل محتوا نتایج تحلیل می‌شوند. البته با توجه به نو بودن برخی از موضوعات و رویکرد بنیادی - معرفتی این پژوهش، می‌بایست از تأملات و

1. Cultural turn
2. Jameson
3. Smart
4. Castells
5. Project of culturisation

استدلال‌های روش شناختی نیز بهره جست. چون در این پژوهش مدل نظری پیشینی وجود ندارد، ناگزیر از گردآوری منابع موجود و بررسی و تحلیل آنها هستیم.

۲. چهارچوب نظری: (رویکردهای آینده‌پژوهی در نظام برنامه‌ریزی فرهنگی شده)

ما در عصری فرهنگی به سر می‌بریم؛ گذر از عصر اطلاعات و ورود به عصری فرهنگی تمامی نظریات فرهنگی آینده را متحول خواهد نمود. فرض بنیادی این تحول در ۳ چرخش نهفته می‌باشد: نخست "چرخش روش شناختی" که از سال ۱۹۷۰ آغاز شده است مرحله‌ی دوم "چرخش فرهنگی" که به آن اشاره شد؛ سومین چرخش "جهت کشف علوم و فناوری‌های نوظهور از علوم اجتماعی به علوم طبیعی". تا کنون انسان با کشف قوانین طبیعی بر مبنای خطا و آزمون به توسعه علوم طبیعی و اجتماعی کمک کرده است. به دلیل انباشتگی دانش و گسترش شاخه‌های دانش بر مبنای رویکرد "تخیل جامعه شناختی" عرصه‌های نوظهور در حوزه‌های علوم اجتماعی تصویرپردازی و سپس منجر به کشف و کاربردی کردن این علوم در جامعه بشری خواهد شد. بر این اساس ریشه‌ی تحولات آینده، بر پایه فرهنگ و فرهنگی شدن برنامه‌ریزی قابل تصویرپردازی می‌باشد.

از سال ۱۹۹۰ جامعه‌شناسان به وجود یک چرخش فرهنگی در بخش‌های زیادی از زندگی پی برده و به توصیف آن پرداخته‌اند. این چرخش فرهنگی در طرز تفکر توسعه بین‌المللی، همچون تفکر موجود در بانک جهانی، نمود یافته است. حقیقت فرهنگ به سمت و سوی تبدیل شدن به یک مفهوم اصلی و مرکزی در تفکر توسعه پیش رفته است (یونگ، ۲۰۰۸: ۳). این جایگاه جدید برای برنامه‌ریزی بر پایه رویکرد فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی و رویکرد آینده‌پژوهی ارزش بنیان می‌باشد. «امروزه چرخش فرهنگی به مثابه نوعی پارادایم یا گفتمان، تمام زمینه‌های شناخت از جمله شناخت شهر را در بر گرفته است» (فاضلی، ۱۳۹۱: ۱۰۰). فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی و ضمیمه کردن فرهنگ در برنامه‌ریزی فضایی (آمایشی) به عنوان یک رویکرد کاربردی مدنظر قرار گرفته است. در انقلاب اسلامی، فرهنگ به عنوان بستر اقتصاد و سیاست عمل می‌نماید. لذا فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی یک اولویت جهت تحقق اهداف آینده انقلاب اسلامی و چشم‌اندازهای متعالی آن بر مبنای آموزه‌های اسلامی و اخلاق اسلامی می‌باشد. در ادامه این مبانی نظری در حوزه‌ی برنامه‌ریزی، فرهنگ و آینده انقلاب اسلامی تبیین خواهد گردید. تحولات آینده در مفاهیم روش‌شناختی و معرفتی برنامه‌ریزی، منجر به ایجاد ساختارهای جدید و افزایش خلاقیت نیز خواهد گردید. برنامه‌ریزی فرهنگی شده به عبارتی برنامه‌ریزی است که ماهیت آن فرهنگی شده باشد و بر مبنای تمرکز قلمرویی در توسعه فضایی، مؤثر می‌باشد. در سطح تحلیل شهر و محله، نقشه فرهنگی و سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی شده و در سطح تحلیل منطقه و ملی، رصد فرهنگی و چشم‌انداز ملی فرهنگی شده نقش ایفا می‌نمایند.

۳. جایگاه مدرنیته در برنامه‌ریزی فرهنگی شهر

زمانی که سه موضوع قدرت، برنامه‌ریزی و مدرنیته (مدرنیزانیون) در آینده انقلاب اسلامی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، رویکرد مؤثر و کاربردی، رویکرد فرهنگی می‌باشد. اگر مبانی و الزامات آن مورد توجه قرار نگیرد، جایگاه فرآیند برنامه‌ریزی، دو مفهوم مدرنیزاسیون و مذهب (دین) دچار چالش‌های بنیادی خواهند شد و در نهایت منجر به تضعیف مذهب در سطح جامعه می‌گردد. آمیزش قدرت و مذهب و قرار گرفتن این دو چرخه اندیشه مدرن به ویژه در مرکز فرآیند مدرنیزاسیون شهری باعث می‌گردد که زوده شده‌ها به سرعت شکل گیرد و در عرضه نوسازی به نمایش در آید (جابری‌مقدم، ۱۳۸۶: ۳۰۵). مصداق بارز این امر پدیده انقلاب اسلامی می‌باشد که با رویکرد فرهنگی - اسلامی توانست یک سرمایه اجتماعی عظیمی را که به وجود آورد. مذهب که مدرنیسم اولیه، جدایی از آن را ضرورت مدرن شدن قلمداد می‌کرد، اکنون چون عنصری مؤثر در انقلابی مدرن به نقش آفرینی می‌پردازد و این پیش از آن است که همچون، ابزاری در دفاع شخصی در حیات مدرن غرب مطرح شود (همان، ۲۹۹). برای درک عمیق و ریشه‌ای تحولات فرهنگی شهر ناگزیر به بررسی مبانی مدرنیته هستیم؛ زیرا مدرنیته عمدتاً در فرهنگ‌سازی و مراکز شهری بزرگ حضور خود را اعلام داشته است.

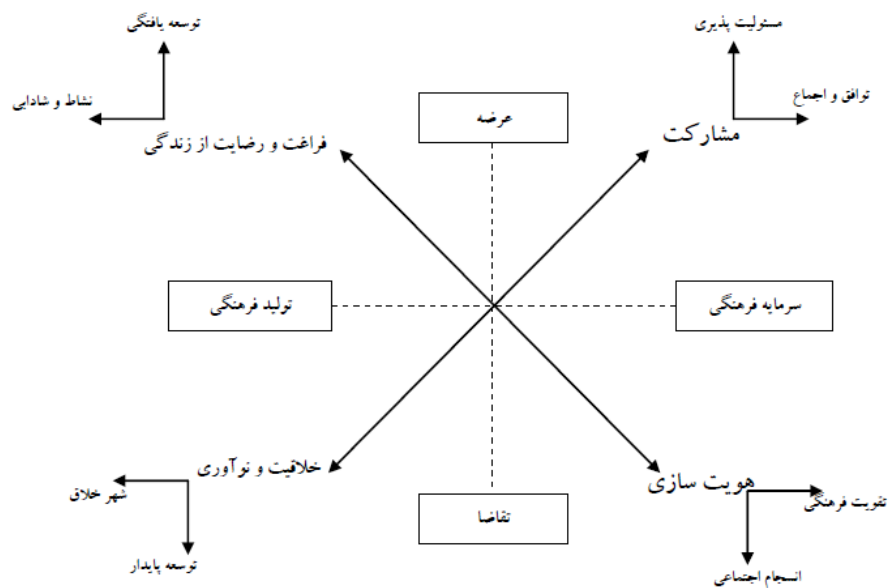
در تولید و بازآفرینی مدرنیته در عصر شهرسازی مدرن، فرآیند مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون در حال شکل‌گیری و تقویت است. در ورودی این نظام، مبانی فرهنگی وارد نمی‌گردد ولی در مرحله خروجی یعنی مدرنیزاسیون تغییر در ماهیت شهر و تغییر در کالبد شهر از طریق تغییر مبانی ارزش و فرهنگی عملیاتی می‌گردد (جابری‌مقدم، ۱۳۸۶: ۳۱۷). رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده، راه‌حلی جهت ورود مبانی فرهنگی در جامعه اسلامی می‌باشد.

۴. کارکردهای برنامه‌ریزی فرهنگی

برنامه‌ریزی فرهنگی، مجموعه‌ای از کارکردها است که در یک جمع‌بندی اولیه عبارتند از: (۱) مشارکت شهروندان (۲) خلاقیت و نوآوری (۳) هویت‌سازی و (۴) فراغت و رضایت از زندگی. کنش عوامل از طریق توازن بین تقاضا و عرضه و سرمایه‌ی فرهنگی و تولید فرهنگی در حال چرخش می‌باشد. مطابق شکل شماره ۱، برای هر کارکرد دو محور تعریف شده است که می‌تواند کارکردهای برنامه‌ریزی فرهنگی را مملوس‌تر نماید. افزایش مشارکت منجر به مسؤولیت‌پذیری شهروندان و ایجاد توافق و اجماع می‌گردد، در کنش مقابل آن عامل خلاقیت و نوآوری است که می‌تواند محرک تقویت شهر خلاق و توسعه‌ی پایدار در جامعه در نظر گرفته شود. دو عامل هویت‌سازی و فراغت و رضایت از زندگی نیز در کنش متقابل می‌باشند. هویت‌سازی منجر به انسجام اجتماعی و تقویت فرهنگی می‌گردد. و کارکرد فراغت و رضایت از زندگی که قالب‌های نشاط شادابی و توسعه تبلور می‌یابد.

ابعاد برنامه‌ریزی فرهنگی در مدارهای محوری دوگانه سرمایه فرهنگی و تولید فرهنگی در پیوند می‌باشد. بر مبنای این پیش فرض که این تعامل دوسویه همواره در جریان می‌باشد. این کارکردهای اشاره شده بر مبنای عامل عرضه، دو مؤلفه فراغت و رضایت زندگی و عامل افزایش مشارکت تبلور می‌یابد و در صورت کمیابی منابع فرهنگی، کارکرد برنامه‌ریزی فرهنگی به سوی ایجاد و افزایش مشارکت پویا و هویت‌سازی حرکت می‌نماید. البته این عوامل از ابعاد و زوایا دیگر نیز برهم تأثیر می‌گذارد و نشأت گرفته از پیچیدگی و ماهیت برنامه‌ریزی و پویایی فرهنگ می‌باشد.

برنامه‌ریزی فرهنگی، مجموعه‌ای از روندهای ارزشی و باوری، هویت‌سازی، ساختارهای قدرت و شبکه‌سازی در میان نهادها، توسعه‌ی مشارکت و... نیست، بلکه در یک سطح تحلیل می‌توان گفت نشانگر ارکان ایدئولوژی جامعه که در شهر متبلور می‌شود، نیز می‌باشد، این رویکرد منجر به این می‌شود که تحلیل‌ها، ساده‌اندیشانه نباشد. این امر به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی توسعه و تنظیم اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد. این نکته نظام برنامه‌ریزی فرهنگی را به‌عنوان نوعی از قدرت تبیین می‌نماید.



شکل ۱: کارکردهای برنامه‌ریزی فرهنگی

بر اساس کارکردهای برنامه‌ریزی فرهنگی و اصل به هم پیوستگی عوامل فرهنگی، به‌عنوان عامل مؤثر بر افزایش سرمایه فرهنگی و تولید فرهنگی در حوزه‌ی فرهنگ باید قلمداد شود. تولید فرهنگی بر مبنای انباشته سرمایه فرهنگی در جوامع شکل می‌گیرد. مبانی تولید فرهنگی متفاوت از بخش‌های دیگر مانند اقتصاد، سیاست و ... می‌باشد. بهم پیوستگی حضور همزمان و پویای عوامل فرهنگی در بعد مکانی و زمانی، نقش کلیدی در آغاز تولید فرهنگی ایفا می‌نماید، مبنای تولید تمدن نیز در جامعه بر پایه تجمیع

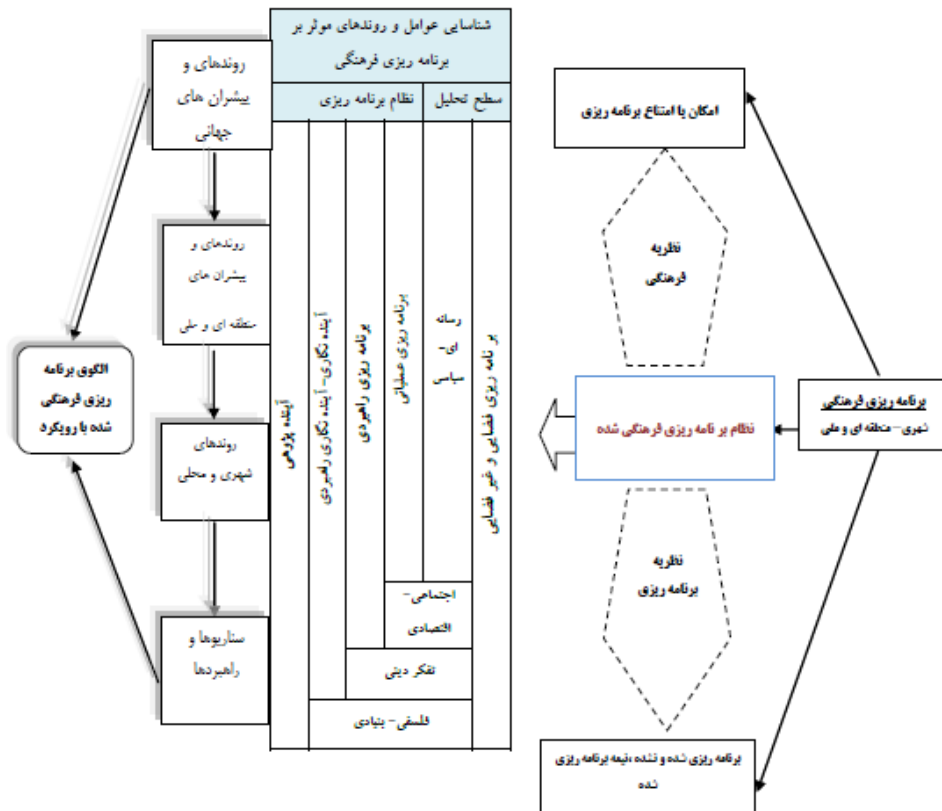
و هم‌سویی مبنای فرهنگی و تمامی زمینه‌های دیگر شکل می‌گیرد. این مباحث نشان از عامل زیرساختی و بنیادی فرهنگ در عرصه‌ی عمل اجتماعی می‌باشد و به عنوان عامل تغییرات بنیادی در نظم جامعه مطرح نمود لیکن فرهنگ مانند شمشیر دولبه عمل می‌نماید در صورت بهم ریختگی فرهنگی تضاد بالا می‌رود و منجر به ایجاد و تقویت بحران‌ها و مشکلات در جامعه می‌گردد. این مسأله از ویژگی‌های فرهنگ و پویایی آن می‌باشد به عبارتی فرهنگ سکون ندارد و همراه رو به جلو حرکت می‌کند و در صورت عدم توجه کافی منجر به پس رفت و عقب‌ماندگی فرهنگی می‌گردد.

کالبد در این به هم پیوستگی عوامل فرهنگی به عنوان بستر فعالیت‌های فرهنگی نقش ایفا می‌نماید و نمود ظاهری تأثیر برنامه‌ریزی فرهنگی در شهرها در فضای کالبدی قابل بررسی و تحلیل می‌باشد. جهت نهادینه کردن این به هم پیوستگی فرهنگی در راستای تولید فرهنگی و افزایش سرمایه‌ی فرهنگی نیازمند برنامه فرهنگی شده با رویکردهای نوین می‌باشیم.

۵. چهارچوب مفهومی پژوهش

فرهنگ واژه‌ای است که از پیچیدگی بالایی برخوردار است، برای فهم آن نیازمند ساده‌سازی و شفاف‌سازی هستیم، این ساده‌سازی در چهارچوب مفهومی تحقیق بر اساس تعریف فرهنگ، تبیین کارکردهای و شیوه‌ی عمل در قلمرو مکانی و زمانی صورت پذیرفته است. فرهنگ واژه‌ای است که بر مبنای پیچیدگی بالای آن از بعد موضوعی به صورت لایه به لایه تعریف شده است. از بعد زمان گذشته، حال و آینده را در بطن خود دارد. لایه اعتقادات و باورها ریشه در گذشته، لایه رفتارها بر مبنای کارکردهای فرهنگ ریشه در زمان حال و لایه ارزش‌ها، مطلوبیت فردی و اجتماعی ریشه در زمان آینده دارد.

در راستای تبیین جایگاه برنامه‌ریزی فرهنگی شده نیازمند تبیین نظریه‌های برنامه‌ریزی و نظریه فرهنگی می‌باشیم. در این چهارچوب مفهومی، بر مبنای تدوین و تعریف نظام برنامه‌ریزی فرهنگی شده، گام بر داشته شده است. تلاش شده است که بر مبنای نگرش لایه‌ای که در تعریف فرهنگ وجود دارد سطوح نیز لایه لایه طبقه‌بندی گردد. بر مبنای رویکردهای برنامه‌ریزی نیز ۴ سطح، برنامه‌ریزی عملیاتی، برنامه‌ریزی راهبردی، آینده‌نگاری، آینده‌نگاری راهبردی و آینده پژوهی در تبیین نظام برنامه‌ریزی ذکر شده است، سعی در ادغام مفاهیم نظری را دارد. این چهارچوب مفهومی جایگاه و ارتباط برنامه‌ریزی فرهنگی شده را تبیین می‌نماید.



شکل ۲: چارچوب مفهومی تحقیق، مأخذ: نگارنده

۶. نقش دولت در برنامه ریزی فرهنگی

برنامه ریزی فرهنگی از سوی دولت دارای دو رویکرد امکان یا امتناع برنامه ریزی می باشد که در سه دسته برنامه ریزی شده، برنامه ریز نشده و نیمه برنامه ریزی شده است که شش حالت ممکن را به وجود می آورد. هر از یک استدلال های خاص خود بر پایه مبانی نظری متفاوت برخوردار می باشد. در واقع این دو رویکرد از مبنای فکری مختلف و دو نوع نگاه به ماهیت فرهنگ و ارتباط آن با برنامه ریزی و نیز نقش دولت را در بر می گیرد.



شکل ۳: برنامه ریزی و فرهنگ، مأخذ: نگارنده

به دلیل حاکمیت حکومت دینی بر کشور، رویکرد انقلاب اسلامی به فرهنگ، متفاوت از دیگر حکومت‌هاست. «حکومت دینی استقرارش بر بنیان‌های اعتقادی مردم است و قدرت سیاسی نظام اسلامی متکی بر حمایت‌های عمیق فرهنگی مردم است. در این جامعه باید فرهنگ، مدیریت شود» (بنیانیان، ۱۳۸۴: ۷۵).

از این‌رو، «همان‌طور که دولت‌ها برای اقتصاد، علم، آموزش و پرورش و درمان، سیاست‌گذاری می‌کنند، در مورد فرهنگ نیز سیاست‌هایی طراحی می‌شود. در این میان، برخی دولت‌ها اقدامات سازمان یافته را ترجیح می‌دهند و برخی دیگر، از اشکال انعطاف‌پذیر حمایت می‌کنند و بالاخره پاره‌ای از دول نیز می‌کوشند که فقط مشوق [باشند] و انگیزه فعالیت گروه‌ها و اجتماعات پراکنده را فراهم آورند» (اجلالی، ۱۳۷۹: ۵۰ و ۵۱) ولی دخالت دولت در فرهنگ با درجات مختلف، در این رویکرد پذیرفته شده است. وظیفه دولت نه تنها بسترسازی برای فعالیت فرهنگی است، بلکه دولت می‌کوشد با مشخص کردن فرهنگ صحیح مبتنی بر آرمان‌های خود، مردم را در جهت پیروی و هم‌سوئی با این فرهنگ سوق دهد. از این‌رو، دولت نقش جهت‌دهنده به جامعه برای نیل به فرهنگ مطلوب را دارد.

طرفداران رویکرد امتناع معتقدند دولت در حوزه‌ی فرهنگ تنها نقش ابزاری دارد. این دیدگاه همچون برخی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان لیبرال دمکرات معتقد است دولت در جامعه تنها وظیفه توسعه‌ی فرهنگی را بر عهده دارد و این وظیفه نیز برای آن نیست که خودانگیختگی فرهنگ را مقهور نیازهای دولت سازیم، بلکه برعکس برای این است که وسایل عظیم و قدرت در همه جا حاضر دولت را در خدمت توسعه فرهنگی و گسترش مشارکت مردم در دستاوردهای آن قرار دهیم (مائو، ۱۳۵۳: ۱۶). بنابراین، به جای اینکه فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف دولت‌ها درآید، دولت در خدمت توسعه فرهنگ و گسترش اندیشه‌های مختلف در جامعه قرار می‌گیرد و وظیفه بسترسازی برای فعالیت فرهنگ‌سازان جامعه

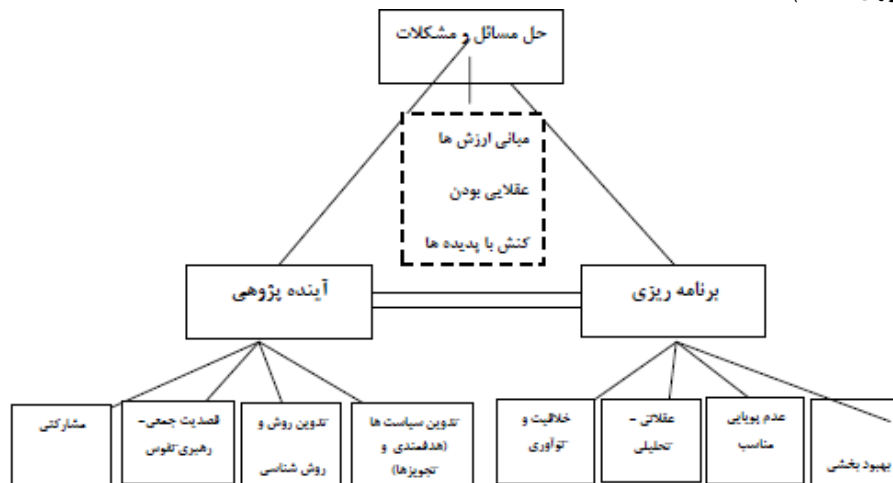
را فراهم می‌کند. از این‌رو، سرپرستان امور دولتی باید تنها زمینه و بستر لازم را برای فعالیت فرهنگ‌سازان غیردولتی مهیا سازند. بنابراین، دولت نقش ابزاری دارد (فاضلی، ۱۳۸۶: ۸) به بیان دیگر، وظیفه دولت زمینه‌سازی برای نشر کتاب و افزایش کتابخانه و سینما و ابزار تولید فرهنگ است، ولی نباید خود در نوع تولیدات فرهنگی دخالتی کند.

این مبانی ذکر شده رویکردها را مشخص می‌نماید؛ اما راهکار عملی و مفید وارد کردن فرهنگ در برنامه‌ریزی‌های شهری در گام اول و سپس در سطوح کلان ملی، برنامه‌ریزی بر پایه رصد فرهنگی و سیستم چشم‌انداز ملی فرهنگی شده، می‌باشد. بر مبنای وضع موجود نیازمند تدوین ساختارهای اجرایی مناسب برای این جایگاه جدید برنامه‌ریزی نیز می‌باشیم.

۷. زمینه نظریه برنامه‌ریزی با رویکرد آینده‌پژوهی

برنامه‌ریزی یک پدیده عام است که محدوده گسترده‌ای با رویکرد آمایشی و غیرآمایشی (محل، شهر، منطقه‌ای، دولت ملی و سازمان‌های متنوع و حتی بین‌المللی) را در بر می‌گیرد. تحول برنامه‌ریزی با اشکال جدید در حال توسعه و تجربه می‌باشد. آینده‌پژوهی بر پایه تأکید بر چشم‌انداز بلندمدت می‌تواند به منظور منطبق کردن رویکرد فرهنگی در برنامه‌ریزی مورد توجه ویژه قرار گیرد.

در بخش دوم چهارچوب مفهومی به دنبال ایجاد ارتباط رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده و آینده‌پژوهی می‌باشیم. "بر اساس نظریه انتقادی، پایه معرفت‌شناسی برنامه‌ریزی، یک پایه معرفتی ترکیبی و به هم پیوند خورده است که جنبه‌های علمی، فنی، انسانی و ارزشی را با هم ترکیب می‌کند و نسبت به تمام پدیده‌ها دید انتقادی دارد و قدرت و توانایی مشارکت و آگاهی عمومی را مبنای کار قرار می‌دهد" (اشکوری، ۱۳۸۷).



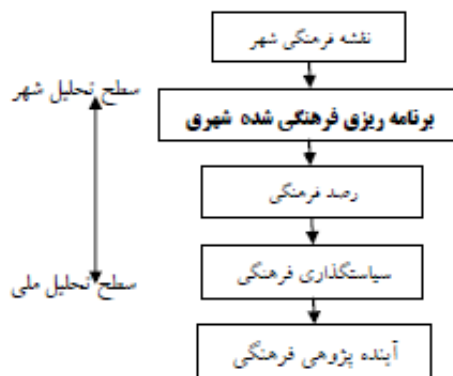
شکل ۴: برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی، ماخذ: اشکوری، ۱۳۸۷، با تغییرات و اضافات

رویکرد آینده‌پژوهی در مقایسه با برنامه‌ریزی دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. بلندمدت‌تر است: از پنج تا پنجاه (حتی صد) سال به جای یک تا پنج سال
 ۲. متعهد به آینده‌های بدیل معتبر است در حالی که هر سناریو دارای تفاوت بنیادین از دیگری است. هنگامی که برنامه‌ریزان از سناریوها استفاده می‌کنند، آن‌ها اغلب انحراف‌های صرفاً یکدیگر هستند.
 ۳. رویکرد آن مشارکتی‌تر است و سعی در مشارکت تمام انواع ذی‌نفعان و نه صرفاً قدرتمندان دارد.
 ۴. به فرایند برنامه‌ریزی اهمیت بیشتری می‌دهد و اهمیت آن حداقل به اندازه‌ی خود برنامه است.
 ۵. کم‌تر ابزارگرا است و به مسائلی فراتر از سود یا قدرت می‌اندیشد.
 ۶. درحالی که یک تکنیک است ولی بسیار اقدام‌محور است. آینده‌پژوهی همان‌گونه که یک حوزه‌ی دانشگاهی است یک جنبش اجتماعی و وسیله‌ای برای تحول سازمانی است (عنایت‌الله، ۱۳۸۸: ۱۰).
- بین برنامه‌ریزی در سیستم برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای با دیگر اشکال برنامه‌ریزی تفاوت‌هایی وجود دارد. ولی ما شاهد کاربرد یافته‌های این دو بخش در یکدیگر هستیم، رویکردهای جدید و کامل‌تری مانند آینده‌نگاری منطقه‌ای، راهبرد توسعه شهر و ... هستیم. راهبرد توسعه شهر (CDS) و آینده‌نگاری منطقه‌ای، دارای یک وجه اشتراک با آینده بوده و از ماهیتی پیش‌فعال^۱ برخوردار است که کاملاً با فرآیندهای کنترل توسعه و ارزیابی تأثیر اجتماعی و محیطی متفاوت است. گلیسون^۲ معتقد است که برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای اثرات مکانی فعالیت اجتماعی و اقتصادی و تغییر محیطی را پیش‌بینی و کنترل می‌کند (گلیسون، ۲۰۰۳: ۲۵). وی عنوان می‌کند که این گونه برنامه‌ریزی در بیشتر کشورهای توسعه یافته سه شکل عمده به خود می‌گیرد:
- کنترل توسعه با مرکزیت سازماندهی کاربری زمین و ایجاد محیط‌های ارتباطی در مقیاس محلی
 - ارزیابی اثرات زیست محیطی و اجتماعی فعالیت ارائه شده در زمینه توسعه در مقیاس‌های محلی و منطقه‌ای؛
 - برنامه‌ریزی راهبردی شامل هماهنگ‌سازی سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی و ساماندهی دولت در چهارچوب‌های خاص مکانی (گلیسون، ۲۰۰۳: ۲۵).
- فرهنگ بر پایه تبیین آینده پژوهانه و چشم‌انداز محور زمینه بنیادی تمامی اشکال برنامه‌ریزی است. فرهنگ زمینه‌ساز اجتماعی، محیطی و تاریخی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در مقیاس‌های محلی و منطقه‌ای است که گلیسون به آنها اشاره می‌کند.

۸. آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی: سه گانه برنامه‌ریزی، فرهنگ و اخلاق

عامل پو پایی برنامه‌ریزی در نظام اجتماعی فرهنگ و عامل پایایی فرهنگ، اخلاق می‌باشد. در جمع-بندی سه گانه برنامه‌ریزی، فرهنگ و اخلاق مشاهده می‌شود که نگاه آینده‌پژوهی را در بطن خود دارند. فرهنگ می‌تواند با توجه به پویایی که در درون خود دارد به مبانی برنامه‌ریزی کمک کند و اخلاق به-عنوان ضمانت مبانی فرهنگی، نیز منجر به پایداری برنامه‌ریزی فرهنگی شده می‌گردد. نگاه فرهنگی به برنامه‌ریزی منجر به ایجاد رویکردی آینده‌نگرانه نیز در جامعه می‌گردد و نگاه آینده‌نگرانه در یک سطح بالاتر به نظام برنامه‌ریزی فرهنگی شده، مبانی اخلاقی را مورد تأکید قرار می‌دهد.



شکل ۵: آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی: سه گانه برنامه‌ریزی، فرهنگ و اخلاق

مأخذ: نگارنده

برنامه‌ریزی به تنهایی از پویای کافی برخوردار نمی‌باشد با توجه به توسعه علم و فناوری و کاهش توجه به انسان در عصر مدرن، ماهیت برنامه‌ریزی را در تقابل با انسان معاصر قرار داده است و از پویایی آن کاسته است. هنگامی که به بررسی تکامل مکاتب مدیریت می‌پردازیم در می‌یابیم سیر تکامل به سوی توجه به نیازهای انسانی پیش رفته است و از سوی دیگر به پیچیدگی‌هایی و توسعه فناوری توجه دارد؛ حال سرعت توسعه فناوری‌های نو به اندازه‌ای است که میزان توجه به مبانی انسانی در مقابل آن ناچیز و کم‌رنگ است و حس می‌گردد که منشاء برنامه‌ریزی برای فناوری است نه انسان، که نشان از عدم پویایی برنامه‌ریزی در عصر مدرن است.

از سوی دیگر عاملی که می‌تواند این پویایی را احیاء نماید فرهنگ؛ بر خواسته از انسان و سیر تکاملی او می‌باشد. اخلاق افزون بر فرهنگ‌سازی در ابعاد اجتماعی و فردی زمینه را برای اجرای بهینه قوانین اجتماعی و احکام شرعی فراهم می‌سازد. با این تعبیر اخلاق از مسائل کلیدی حوزه‌ی مسؤولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماعی محسوب می‌شود که اساس زندگی اجتماعی انسان بر آن استوار است. در مبانی اسلامی نیز اخلاق جزء الزامات و ضروریات می‌باشد؛ قرآن اخلاقیات را همانند سایر تکالیف واجب و لازم

اجراء دانسته است در قوانین اجتماعی این امر به عنوان یک موضوع مستقل امکان بررسی ندارد و بر عهده وجدان دورنی افراد گذاشته می‌شود. در رویکرد ایرانی اسلامی ورود مبنای فرهنگی و اخلاقی در نظام برنامه‌ریزی باید مورد توجه قرار گیرد، جهت عملیاتی نمودن این رویکرد نیازمند برنامه‌ریزی فرهنگی شده با نگاهی آینده‌پژوهانه می‌باشیم. به عبارتی تحقق اهداف و چشم‌اندازهای مطلوب انقلاب اسلامی نیازمند رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده در سطوح ملی، منطقه‌ای و شهری می‌باشد این دیدگاه کل-نگرانه در آینده‌پژوهی فرهنگی شده می‌باشد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

آینده‌پژوهی فرهنگی شده

آینده‌پژوهی فرهنگی شده به دنبال توسعه پایدار و شهر خلاق می‌باشد. این رویکرد نیازمند طراحی دانش فرهنگی و دانش اخلاق و تفکر راهبردی بر محور (آینده‌پژوهی اسلامی، آینده‌پژوهی بومی و آینده‌پژوهی فرهنگی) می‌باشد. مفهوم ارائه شده "آینده‌پژوهی فرهنگی شده" نشانگر ارزش مطالعات برنامه‌ریزی و به کارگیری برنامه‌ریزی در جوامع می‌باشد. از طریق در کنار هم قرار دادن اصول برنامه‌ریزی و فرهنگ و شکل‌دهی یک رابطه سودمندتر، ارزش شناخته نشده "فرهنگ" بر مبنای مؤلفه "ارزش" می‌تواند به تغییر و تکامل ساختار آینده‌پژوهی نیز کمک کند. در تبیین این واژه نیازمند تبیین آینده‌پژوهی بومی و آینده‌پژوهی فرهنگی می‌باشیم. آینده‌پژوهی که متن و ماهیت آن فرهنگی شده است.

آینده‌پژوهی بومی

مطالعات حوزه‌های فلسفه و جامعه‌شناسی علم و فناوری نشان می‌دهند که وجوهی از هر علم و یا فناوری، از فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه، تأثیر می‌پذیرد (چالمرز، ۱۳۸۵: ۳۶-۴۸). علوم و فناوری‌های نرم "بی‌طرف" نیستند. چون به بافتارهای فرهنگی وابسته هستند. جین^۱ علوم و فناوری‌های نرم را مزیت رقابتی جوامع و سازمان‌ها در آینده می‌داند (جین، ۱۳۸۷: ۲۷). آینده‌پژوهی در هر فرهنگی، نسخه خاص خود را می‌طلبد و برای اثربخشی آینده‌پژوهی در هر جامعه‌ای باید آن را بومی کرد (عنایت‌الله، ۲۰۰۷: ۱۹۸-۱۹۹).

آینده‌پژوهی فرهنگی

علاوه بر رویکرد مطالعات فرهنگی و رویکرد مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی رویکرد سومی نیز باید مورد توجه قرار گیرد که آن را "آینده‌پژوهی فرهنگی" می‌نامیم که فصل مشترک دو رویکرد اول با نگاهی آینده‌نگرانه و انسان‌شناختی به پدیده فرهنگ و برنامه‌ریزی می‌باشد.

آینده‌پژوهی اسلامی

دین اسلام، منابع گسترده‌ای در حوزه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان و جامعه در دو سطح فردی و اجتماعی دارد و در این منابع برای وضعیت حال و آینده انسان در عرصه‌های مختلف دارای توصیه‌ها و تجویزهای قابل توجهی است. در آینده‌پژوهی اسلامی کوشش می‌شود که معرفت دینی در قالب دستاوردهای مختلف (گزاره‌های آینده، روندها و ...) تبلور یابند.

در جمع‌بندی آینده‌پژوهی فرهنگی شده بر پایه دانش فرهنگی، دانش اخلاقی و تفکر راهبردی شکل می‌گیرد. دانش فرهنگی بر اساس روند برنامه‌ریزی فرهنگی شده بر پایه تنوع فرهنگی، خلاقیت و توسعه پایدار عمل می‌نماید. تفکر راهبردی به عنوان رویکرد چشم‌انداز محور و بنیادی به کار گرفته می‌شود. این رویکرد در حوزه‌ی برنامه‌ریزی تلاش می‌کند که رویکردهای برنامه‌ریزی راهبردی و آمایش سرزمین را به یکدیگر نزدیک نماید. دانش اخلاقی نیز منجر به بهبود زندگی جامعه انسانی می‌گردد. بخش حیاتی آینده‌پژوهی فرهنگی شده می‌باشد، علت آن عمق تأثیر آن بر پدیده‌ها و گستردگی تأثیر آن بر جنبه‌های زندگی می‌باشد.

۹. نتایج و یافته‌های حاصل از تحلیل مبانی نظری فرهنگ، برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی

بر پایه یافته‌های پژوهش، نظریه‌ی برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی بر پایه مبانی معرفتی غربی توسعه یافته است. بر پایه نیازها و مسائل جامعه غرب روند تکاملی خود را آغاز و طی کرده است. ما در این حوزه شاهد چرخش بنیادی به سوی رویکردهای نوین می‌باشیم. این رویکردها در حوزه‌ی فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی، آینده‌نگاری منطقه‌ای، چرخش فرهنگی، توسعه پایدار، شهر خلاق و نظام‌های نوآوری می‌باشند. نکته‌ی کلیدی وجود نگاه پوزیتیویسم در منشاء شکل‌گیری این روندهای سپس در شرایط کنونی حرکت به سوی پسا پوزیتیویسم در جریان می‌باشد.

در وضع موجود جامعه‌ی ما، شاهد به کارگیری و استقرار این روش‌ها و رویکردها در جامعه می‌باشیم. تحقق اهداف متعالی انقلاب اسلامی در وضع مطلوب با رویکرد آینده‌پژوهی نیازمند تدوین مبانی نظری و معرفتی متناسب با جامعه اسلامی- ایرانی است. بر پایه این استدلال در گام نخست تلاش شده است این مبانی بررسی و تحلیل گردد، این مباحث زیر ساخت و پیش‌نیاز تدوین الگوهای برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی در سطوح ملی- منطقه‌ای و شهری می‌باشد. در ادامه نتایج و دستاوردها در چند منظر ارائه می‌گردد.

مبانی فلسفی فرهنگ با رویکرد آینده‌سازی

بر پایه دستاوردهای عرصه‌ی آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی، ما شاهد عدم کارایی مناسب این عرصه هستیم. یکی از عوامل کلیدی آن کم توجه‌ای به مبانی معرفتی و فلسفی بومی این عرصه می‌باشد. این هستی-شناسی بر پایه آینده‌اندیشی و بهره‌گیری از مبانی و آینده‌های دینی پایه‌گذاری شده است. پایه آینده-پژوهی، آینده‌اندیشی است (وندل بل، ۲۰۰۳: ۲۰۴-۲۰۱)، ولی شیوه‌ای منسجم و استدلالی جهت تحلیل پدیده‌ها بر پایه آینده‌اندیشی و مبانی فرهنگ ارائه نشده است. حوزه‌ی فرهنگ و انسان نقش کلیدی در خلق آینده بر پایه ارزش‌ها دارد؛ این هستی‌شناسی چهارچوبی برای تفکر در حوزه‌ی آینده را فراهم می‌سازد. این تفکر تحلیلی و تعمیم‌پذیر بر عرصه‌های مختلف می‌باشد. پذیرش تنوع و تفاوت فرهنگی جوامع بر پایه مکان و فضا به عنوان مفروضات بنیادی آن می‌باشد. هدف اصلی این رویکرد ایجاد انگیزش در جامعه‌ی انسانی برای تغییر بنیادی، در راستای ایجاد آینده مطلوب می‌باشد. جهان‌شمولی و پذیرش تفاوت‌های موجود در جوامع، قدرت تحلیلی این رویکرد را در حوزه‌ی آینده‌سازی افزایش داده است. توجه به این مبانی معرفتی در جامعه اسلامی می‌تواند چشم‌اندازهای انقلاب اسلامی را در سطوح ملی و فراملی محقق سازد. در ادامه عناوین کلیدی، مبانی فلسفی و هستی‌شناسی فرهنگ به شرح ذیل می‌باشد:

- کل‌نگری
- ارزش بنیان و آینده‌سازی
- پایداری و پویایی
- انسان محور و جامعه‌زا بودن
- تفاوت در فرهنگ‌ها، تنوع فرهنگی
- رویکرد پیوند مکان- فرهنگ

نقش فرهنگ و تنوع فرهنگی در تقویت تفکر پارادوکسیکال

بر پایه‌ی مفروضات هستی‌شناسی فرهنگی که ارائه شده، نقش تفاوت و تنوع فرهنگی عصر کنونی در تقویت اصل پارادوکسیکال در تفکر راهبردی و تفکر سناریونویسی بر پایه عدم قطعیت‌ها، نقش کلیدی ایفا می‌نماید. این مبانی، در طراحی الگوها و مدل‌های مفهومی آینده‌نگاری و آینده‌پژوهی در حوزه‌های مختلف از جمله شهر، صنعت و سازمان‌ها در جامعه کاربردی می‌باشد.

شکل‌دهی جدید برنامه‌ریزی شهری - منطقه‌ای بر پایه رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی

شده و آینده‌پژوهی

برنامه‌ریزی شهری تا کنون توانسته است در فرآیند مقابله با چالش‌ها و مسایل جامعه، مراحل تکاملی را در پیش‌رو داشته باشد. موضوعاتی مانند تخریب گسترده‌ی محیط زیست، رشد ناهمگون شهرها و

گرمایش زمین (اسلاتر، ۲۰۰۸) از مصادیقی هستند که نیاز به همگرایی برنامه‌ریزی شهری و آینده‌پژوهی را ضروری می‌نمایند. لذا هدف اصلی آینده‌پژوهی بهبود آزادی و سطح رفاه بشریت و افزایش امید به آینده‌ای مطلوب است (وندل بل، ۲۰۰۳: ۹۵)، شرایط موجود شهرهای کشور، وضعیت قابل تأملی است. لذا برنامه‌ریزی شهری در کشور نیازمند بازنگری می‌باشد. چرا نسخه موجود امکان حل مشکلات و مسائل را ندارد. بنابراین با وجود روند تکامل برنامه‌ریزی شهری و برخی دستاوردهای ضرورت توجه به رویکردهای جدید مانند، برنامه‌ریزی فرهنگی شده و آینده‌پژوهی بر پایه ارزش‌های جامعه‌ی اسلامی - ایرانی اهمیت افزون‌تری یافته است.

بومی‌سازی آینده‌پژوهی بر پایه فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی در جامعه

رویکرد بومی‌سازی مبتنی بر پرداختن به موضوعات و مسائل خاص یک جامعه قلمداد می‌شود. حال آن که مهم‌تر از این مطلب ایجاد مبانی معرفتی و روش‌شناختی، حل این مسائل در جامعه باید بر می‌گردد. به عبارتی در نگرش‌ها بر پایه مباحث جامعه‌شناختی و ارزشی هر جامعه‌ای نیاز به دانش بومی ضرورت می‌یابد. از این طریق مسائل خاص یک جامعه نیز با تحلیل عمیق‌تر و پایدارتر حل می‌گردد. با توجه به اینکه در حوزه‌ی آینده‌پژوهی مبانی معرفتی و روش‌شناختی به‌عنوان مبدأ ورودی حل مسائل و مشکلات با رویکرد آینده‌محور مدنظر قرار می‌گیرد، لذا رهیافت بومی‌سازی آینده‌پژوهی منطبق بر ورود مبانی ارزشی، فرهنگی در درون متن برنامه‌ریزی تحقق می‌یابد و بر اساس این رهیافت هم مسائل و مشکلات در جامعه حل می‌گردد و هم مبانی معرفتی و روشی تولید می‌شود که منجر به بومی‌سازی الگوها، مدل‌ها، روش‌ها و فرآیندهای آینده‌پژوهی می‌گردد. در حوزه‌ی کنش با واقعیت‌های اجتماعی، بومی‌سازی آینده-پژوهی بر اساس فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی تحقق می‌یابد. در جامعه‌ی اسلامی - ایرانی مبانی ارزشی از جایگاه و قوت بالایی برخوردار می‌باشند، در غرب این مبانی در حداقل‌ها سیر می‌نماید، مبانی معرفتی فرهنگ که بر آن تأکید شد، در صورت شناخت صحیح و پیاده‌سازی مناسب در نظام برنامه‌ریزی به عنوان یک نیروی محرک و پیشران فرصت‌ساز عمل خواهد نمود.

آینده‌پژوهی فرهنگی شده، مبانی برای شکل‌دهی آینده‌پژوهی بومی

بر اساس نتایج بخش مبانی نظری مشخص شده که شکل‌دهی جدید آینده‌پژوهی یک فرصت این حوزه نیز می‌باشد. پذیرش تفاوت‌ها و تنوع‌ها در حوزه‌ی نگرش‌های انسانی و علت مکانیت (پیوند مکان-فرهنگ) نیز این مطلب را اثبات نموده است. به عبارتی نسخه‌ای از آینده‌پژوهی که بر اساس "انسان و مکان" جامعه خاص تدوین شده است نمی‌تواند در مکان‌های دیگر به طور مناسب کاربرد داشته باشد، البته این نسخه‌های مشترکاتی دارند و وجوه تمایزی، علت شکل نگرفتن آینده‌پژوهی بومی در جامعه ما نیز این مطلب می‌باشد. پس از تدوین مبانی معرفتی، فلسفی، در کنش با پدیده‌های اجتماعی ما می‌توانیم شاهد شکل‌گیری آینده‌پژوهی فرهنگی شده، به عبارتی آینده‌پژوهی بومی و در چشم‌انداز شاهد تحقیق

آینده‌پژوهی اسلامی باشیم. فرهنگی‌سازی آینده‌پژوهی بر پایه کنش با واقعیت‌های اجتماعی روشی برای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی در چشم‌انداز انقلاب اسلامی می‌باشد.

۱۰. آینده‌های ممکن و مطلوب برنامه‌ریزی فرهنگی شده در انقلاب اسلامی

در راستای شناخت آینده‌های ممکن و محتمل، بر مبنای نظر خبرگان مسأله پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است در این مقاله تلاش شد با رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده، ضعف نظام برنامه‌ریزی تحلیل و بررسی گردد؛

رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده، ایجاد ساختارهای جدید در نظام برنامه‌ریزی انقلاب اسلامی در سطح تحلیل شهری- منطقه‌ای و ملی را تجویز می‌نماید، این ساختارها در ابعاد سطح کلان، رصد فرهنگی بر مبنای مزیت‌های منطقه‌ای می‌باشد، سطح تحلیل شهر نیازمند یک برنامه جامع با رویکرد آینده‌پژوهی است که نظام مدیریت شهری نیز باید با آن منطبق شود و چشم‌انداز شهر بر اساس مبنای سیستم فرهنگی شده تدوین گردد، در گام نخست تدوین نقشه فرهنگی شهر در دستور کار قرار می‌گیرد. اجراء این گام در نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری نمود پیدا می‌کند. ورود در مبنای روش‌شناختی برنامه-ریزی منجر به ایجاد و پیشنهاد الگوهای جدید و تغییرات ساختارهای اجرایی و ایجاد رویکردهای جدید می‌گردد. ماهیت مدیریت شهری در کشور بر اساس تغییرات مبنای اقتصاد سیاسی، در آینده با چالش‌ها و تغییرات ساختاری روبه‌روست، پیش‌بینی می‌شود در آینده نیاز به برنامه‌ریزی فرهنگی شده از انسجام قوی‌تر و ارتباط معنی‌دار برخوردار باشد. بر پایه این مبنای چهار رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده در آینده انقلاب اسلامی در سه سطح تحلیل (شهر- منطقه و ملی) تشریح شده‌اند:

۱. ماهیت مدیریت شهری در راستای تقویت انقلاب اسلامی، بر اساس تغییرات مبنای اقتصاد سیاسی، در آینده با چالش‌ها و تغییرات ساختاری روبه‌روست، پیش‌بینی می‌شود آینده برنامه‌ریزی شهر از انسجام قوی‌تر و ارتباط معنی‌دار بیشتری با مدیریت شهری برخوردار باشد و منجر به تقویت رویکرد آمایش سرزمین نیز گردد.

۲. روندهای حاکم بر فرهنگ شهر متأثر از مباحث بین‌المللی، و در ابعاد ملی، تغییرات در اقتصاد شهر موجب تشدید چالش‌های فرهنگی - اجتماعی خواهد شد، این امر فرصت‌ها و تهدیدهای مدیریت شهری را افزایش خواهد داد و راهکار اثر بخش و کار آمد تقویت و ایجاد ساختارهای جدید در نظام برنامه‌ریزی با تأکید بر اهداف سند چشم‌انداز ملی می‌باشد.

۳. روندهای پیش‌روی فرهنگ شهر متأثر از محیط داخلی ناشی از عملکرد مدیریت شهر، کارآمدی فرهنگی شهرها را تضعیف خواهد کرد و در نهایت منجر به عدم دستیابی به اهداف فرهنگی سند چشم‌انداز ملی و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی خواهد شد.

۴. بر مبنای رویکرد برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، تحولات ساختاری و زیربنایی در برنامه‌ریزی فرهنگی شده در آینده انقلاب اسلامی، موجب تقویت کارآمدی و اثربخشی فرهنگ بر مبنای مزیت‌های نسبی جغرافیایی خواهد شد. این رویکرد نیازمند همگرایی دو رویکرد آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فرهنگی شده در تدوین و تحقق چشم‌انداز ملی می‌باشد.

در جمع‌بندی مطالب ارائه شده آینده مطلوب حالت چهارم می‌باشد که در تدوین و تحقق چشم‌انداز ملی دو رویکرد آمایش سرزمین و رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده همگرا گردند. لازم به ذکر است که این مبنای بر اساس ساختارهای مدیریتی و اجرایی دستگاه‌های کشور ارائه شده است.

پیشنهادهای و راهبردهای تحقق برنامه‌ریزی فرهنگی شده

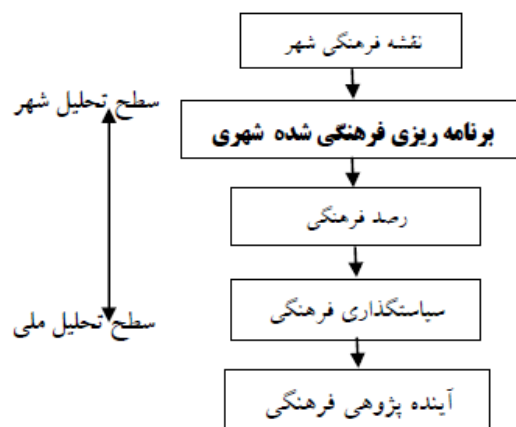
بر اساس آینده‌ی مطلوب ارائه شده در بخش قبل، پیشنهادات و راهبردها در سه سطح تحلیل شهر، منطقه و ملی به شرح ذیل می‌باشند، که به اختصار بیان شده‌اند.

- سطح تحلیل شهر
 - طراحی و تدوین نقشه فرهنگی شهری
 - طراحی و استقرار نظام برنامه‌ریزی شهری فرهنگی شده مبتنی بر مبنای مدیریت یکپارچه شهری
 - تدوین پیوست فرهنگی به عنوان مقدمه نظام برنامه‌ریزی فرهنگی شده
- سطح تحلیل منطقه‌ای
 - آشتی و تقویت رابطه‌ی آینده‌نگاری منطقه‌ای و برنامه‌ریزی شهری
 - رصد فرهنگی: مطالعه و راه‌اندازی رصدخانه‌های فرهنگی
- سطح تحلیل ملی و فراملی
 - تدوین نظام ملی نوآوری فرهنگی و محصولات فرهنگی
 - تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور
 - چشم‌انداز ملی فرهنگی شده مبتنی بر همگرایی دو رویکرد آمایش ملی سرزمین و رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده.

نتیجه‌گیری

در تبیین جایگاه جدید برنامه‌ریزی فرهنگی نیازمند توجه به مبنای روش‌شناختی و تدوین روش‌ها و الگوی اسلامی - ایرانی می‌باشیم، در این راستا مبنای فرهنگ باید وارد متن برنامه‌ریزی گردد، رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده، ایجاد ساختارهای جدید در نظام برنامه‌ریزی را تجویز می‌نماید، نگاه آینده‌پژوهانه در سایه رویکرد فرهنگی قابل تبیین می‌باشد در رویکرد آینده‌پژوهی دو مؤلفه چشم‌انداز بلندمدت انقلاب

اسلامی و توجه به مبنای انسانی مورد تأکید می‌باشد. توسعه پایدار بر مبنای توجه ویژه به فرهنگ و طبیعت شکل گرفته است و فرهنگ نیز یک پدیده پیچیده چندلایه می‌باشد که بر پایه ارزش‌های اسلامی - ایرانی می‌باشد. اخلاق افزون بر فرهنگ‌سازی در ابعاد اجتماعی و فردی زمینه را برای اجرای بهینه قوانین اجتماعی و احکام شرعی فراهم می‌سازد. با این تعبیر اخلاق از مسائل کلیدی حوزه‌ی مسئولیت-پذیری و پاسخگویی اجتماعی محسوب می‌شود که اساس زندگی اجتماعی را انسان را بر آن استوار است. این امر نیازمند تقویت رابطه‌ی میان برنامه‌ریزی، فرهنگ و اخلاق می‌باشد. مراحل برنامه‌ریزی فرهنگی شده در شکل شماره ۶ به صورت ترتیبی و فرآیندی آورده شده است. اولین گام تدوین نقشه فرهنگی شهر قرار دارد. نقشه فرهنگی، "پوشش‌های ابعاد فرهنگی، ارزش‌ها و نگرش‌های مختلف یک جامعه براساس یک الگو" (موذن‌جامی، ۱۳۸۹: ۳۵) می‌باشد. نقشه فرهنگی شهری مقدمه رصد فرهنگی در راستای برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی با رویکرد آینده‌پژوهی است.



شکل ۶: مراحل برنامه‌ریزی فرهنگی شده

دو بخش رصد فرهنگی و نقشه فرهنگی در نظام برنامه‌ریزی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. باید توجه کرد که مبنای و رویکردهای در این بخش توجه به فضا (مکان) به عبارتی تمرکز بر مناطق و موقعیت‌های مختلف باید به عنوان یک اصل در نظر گرفته شود و بر مبنای ویژگی‌های هر منطقه داده‌های فرهنگی جمع‌آوری و تحلیل گردد. گستره‌ی فعالیت رصد فرهنگی، کلیه‌ی حوزه‌های نظام اجتماعی نظیر اقتصاد، فرهنگ، سیاست، اجتماع و نظایر آن را که تأثیرات مهمی در تغییر و تحولات فرهنگی دارند، شامل می‌شود، رصد فرهنگی به عنوان پیوند دهند سطح تحلیل شهر به سطح تحلیل ملی (چشم‌انداز ملی)، نیز در نظر گرفته شده است. فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی یک اولویت جهت تحقق اهداف آینده انقلاب اسلامی و چشم‌اندازهای متعالی آن بر مبنای آموزه‌های اسلامی و اخلاق اسلامی می‌باشد.

منابع

- اجاللی، پرویز (۱۳۷۹)، *سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران*، تهران، نشر آن.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۴)، *درآمدی بر نظریه فرهنگی*، ترجمه: حسن پویان، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بی، ایل (۱۳۸۱)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، تهران: نشر سمت.
- برایسون، ج.، الستون، ف. (۱۳۸۸)، *خلق و پیاده‌سازی برنامه استراتژیک*، ترجمه محمد اعرابی و مصطفی تقی-زاده قمی، تهران: مهکامه.
- بنیانیان، حسن (۱۳۸۴)، *مصاحبه با مهندس بنیانیان*، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره دو، تهران، شورای فرهنگ عمومی.
- پیران، پرویز (۱۳۸۰)، *فرهنگ شهری*، فصلنامه مدیریت شهری.
- تقوی، مصطفی (۱۳۸۷)، *درآمدی مبنایی و راهبردی بر الگوی اسلامی - ایرانی توسعه علم و فناوری*، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۶: ۷۳-۹۸.
- جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۶)، *شهر و مدرنیته*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- جین، ز. (۱۳۸۷)، *تغییرات جهان‌گستر فناوری به سوی فناوری‌های نرم*، ترجمه رضا حسینی، شهریار سلامی، دانشگاه صنعتی مالک‌اشتر.
- چالمرز، آ. (۱۳۸۵)، *چیستی علم*، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حبیبی، محسن (۱۳۸۵)، *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حقیقی، رضا (۱۳۸۶)، *فرهنگ و دیپلماسی*، تهران، انتشارات المهدی.
- دانایی‌فرد، ح.، الوانی، م. و آذر، ع. (۱۳۹۱)، *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*، تهران: انتشارات اشراقی.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹)، *اوتویی و عصر جدید*، تهران نشر ساقی.
- شهرام، پازوکی (۱۳۷۹)، *دکارت و مدرنیته*، فصلنامه فلسفی فلسفه، دانشگاه تهران گروه فلسفه، دوره جدید، سال اول، ش اول، پاییز.
- علی احمدی، علیرضا، سعید نهایی، وحید (۱۳۸۶)، *توصیفی جامع از روش‌های تحقیق*، تهران: انتشارات تولید دانش.
- عنایت‌ا...، سهیل (۱۳۸۸)، *تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها*، ترجمه مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- عنبری، موسی (۱۳۸۷)، *تطور مفهومی رصد فرهنگی*، مرکز مطالعات راهبردی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱)، فرهنگ و شهر، چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری با تکیه بر مطالعات شهر تهران، انتشارات تیسرا و اداره کل مطالعات فرهنگی و اجتماعی تهران.
- فردرو، محسن (۱۳۸۵)، مجموعه مقالات پیرامون مدیریت فرهنگی، تهران، انتشارات مه‌آسا.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، انسان‌شناسی شهری، تهران: نی.
- فوکو، میشل، (۱۳۸۸)، اراده به دانستن، مترجمان: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه، فرهنگ، ترجمه چاوشیان تهران: طرح نو.
- مرکز ملی آمایش سرزمین (۱۳۸۵)، راهنمای مطالعات آمایش سرزمین، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، انسان و ایمان، تهران: انتشارات صدرا.
- معصومی اشکوری، حسن (۱۳۸۷)، راهنمای علمی برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی، انتشارات پیام، تهران.
- مودن جامی، محمد مهدی (۱۳۸۹)، الگوی نقشه فرهنگی شهر تهران، تهران: دانشگاه دفاع ملی، نشر شهر، چاپ اول.
- میلر، توبی و یودیس، جورج (۱۳۸۹)، سیاست فرهنگی، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- ولی، احمدرضا (۱۳۸۶)، مطالعات اولیه فرایند آینده‌نگاری و انتخاب روش‌های مورد نیاز، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.

- Abram, S. (2010), 'Culture and Planning. Aldershot, Ashgate.
- Bell, Wendell. (2003), Foundation of Futures Studies: History, Purposes and Knowledge, Transaction Publishers.
- Bernestein, Richard, A. (2004), "A Guide to Smart and Cultural Resource Planning", Wisconsin Historical Society. Wwww. Wisconsinhistory. Org.
- Bianchini, F. (1999), cultural planning, town planning", in Creed, C.H.(Eds): social town planning, Rutledge, London.
- Castells, M. (1998), The Rise of the Network Society, The Information Age: Economy, Society and Culture, vol 1 (Oxford: Blackwell).
- Inayatullah, Sohail. (2007), Questioning the Future (Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation), Tamkang University, 3th Ed.
- Jameson, F. (1984), 'Postmodernism, The Cultural Logic of Late Capitalism', New Left Review, vol. 146, 53-92.
- Kuosa, Tuomo. (2011), Practicing Strategic Foresight in Government. S. Rajaratnam School of International Studies, Nanyang (Singapore).
- Looseley, D. (1999), Cultural policy in the twenty-first century: issues, debates and discourse, French Cultural Studies, 10(1), pp. 5-20.
- Malaska, Pentti. (2003), Futures and Penetration to the Futures, Acta Futura Fennica, Helsinki, pp. 353-361.
- Slaughter, R. (2008) Reflections on 40 years of futures studies and Futures, 40 (10), pp: 912-914.

- Smart, B. (1993), *Postmodernity* (London: Routledge).
- Williams, R. (1966), *Culture and Society, 1780-1950* (England: Penguin).
- Young, G. (2008), *Reshaping Planning with Culture*, Aldershot: Ashgate.